

تبیین دیدگاه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص

نظم نوین جهانی^۱

شهرام طایفه شهاب^۲

چکیده:

تجربیات و مشاهدات رسانه‌ای روزمره حکایت از تفاوت غیرقابل انکاری میان استقرار نظم نوین جهانی به صورت عقلانی و کانتی با دیدگاه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد دارد و نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل نوین به شدت از سوی سیاست‌های جهانی ابرقدرت‌های حاضر در شورای امنیت تحت فشار و انقیاد بوده و با سیاست‌های دوگانه و چندوجهی که به شدت سودگرایانه و مرکانتیلیستی هستند گام برمیدارد بی‌تفاوتی شورای امنیت در نسل‌کشی رواندا و بوسنی هرزه‌گوین و برمه و اقدام سریع این شورا در مقابله با تجاوز صدام به کویت و رهاسازی آن‌گویی این چشم‌انداز غیرعادلانه و ماکیاولی است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و یافته‌های تحقیق ثابت می‌کند که شورای امنیت قرائت خاص خود را از نظم نوین جهانی دارد که به طور قطع ریشه در اراده ابرقدرت‌های دارنده حق وتو دارد و مهره‌های شطرنج روابط بین‌الملل نه با معیارهای حقوق بین‌الملل که با اقتدارگرایی آنها چیده شده و به پیش می‌تازد.

واژگان کلیدی: نظم نوین جهانی، شورای امنیت، نظم عمومی بین‌المللی،

جرج‌بوش، سازمان ملل متحد

^۱ - دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۹

مقدمه

در طول یک قرن اخیر یکی از مکاتبی که به صورت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مورد قبول و متابعت دولتها قرار گرفته مکتب پوزیتویسم است که معتقد است فقط و تنها اراده دولتهاست که پدیدآورنده حقوق و تعهدات و مسئولیتهای بین‌المللی است و از توجه به مقتضیات عینی جامعه بین‌المللی غافلند که اهم آنها عبارتند از:

۱- صلح ۲- همکاری ۳- همزیستی ۴- همبستگی ۵- به زمامداری ۶- اجتناب از جنگ

۷- حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی

که این موارد تابع اصل نسبیت نیست و در همه زمان‌ها و مکانها لازم‌الرعایه است بنابراین نظم عمومی بین‌المللی صرفاً نمی‌تواند مبتنی بر رضایت دولتها باشد بلکه التزام به تعهدات بین‌المللی حقوق بین‌الملل باید متکی به اصول و قواعد محکمی باشد که از آن با عنوان نظم نوین و نظم عمومی جهانی یاد می‌شود (موثقی، ۱۳۸۹). بدین ترتیب نظم نوین جهانی تلاش دارد که حاکمیت مطلق و آزادی عمل نامحدود دولتها را تحت کنترل درآورده و محدود کند و به هرج و مرج ناشی از اقتدار هژمونیک کشورها و دولتها پایان دهد و در این راستا جامعه بین‌المللی در تلاش است که نظم نوین را تحت حمایت درآورده و از طریق سازمان‌های بین‌المللی عام (سازمان ملل متحد) از آن پاسداری کند (همان) آن عصری که ساختار دولتها به شکل کنونی پدید آمده یعنی عصر وستفالیای ۱۶۴۸، اندک اندک در حال تحول و تغییر است و با اینکه قرار نیست به طور کامل برچیده شود اما آن اقتدار مطلق گذشته را ندارد و امروزه درخواستها و تقاضاهای متنوع ملتها آن چنان زیاد شده که به سختی می‌توان به برآورده کردن همه آنها موفق شود و نائل آید. بنابراین برای پایداری نظم عمومی امروزه وابسته به اتحاد کشور در قالب سازمان‌های بین‌المللی و اتحادیه‌های منطقه‌ای است و از طریق همکاری با هم تقریباً همه کشورها و دولتها آن علائق غیرمتعارف خود را رها خواهند کرد و قدرت نظامی دیگر یکه‌تاز نخواهد بود هرچند که هنوز هم مسابقه تسلیحاتی بین برخی از کشورهای منطقه‌ای در جریان است و علاقه شدید به داشتن سلاحهای هسته‌ای به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی تجاری، اقتصادی و سیاسی جزو علائق پنهان و مخفی برخی از کشورهای جهان بوده هرچند که در هیچ عصری قصد استفاده از آن را ندارند (سیمبر، ۱۳۸۰). در دهه‌های ۳۰ و ۴۰

قرن گذشته جهان شاهد تولد دو تفکر نازیسم و فاشیسم بود که جنایات آنها در حد صنعتی موجب شد که حقوق بشر به عنوان یکی از موضوعات اولویت دار جامعه بین المللی درآمده و چندین سند بین المللی در زمینه حقوق بشر به تصویب رسید که نشانگر ظهور یک نظم نوین جهانی در زمینه حقوق بشر بود از جمله:

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸

۲- میثاق بین المللی حقوق مدنی- سیاسی ۱۹۶۶

۳- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶

۴- منشور سازمان ملل متحد ۱۹۴۵ (برخی از فصول و مواد آن)

۵- اعلامیه جهانی حقوق کودک ۱۹۵۹

۶- کنوانسیون وضعیت پناهندگان ۱۹۵۱

۷- کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹

و در این راستا بعد از شکست کشورهای متجاوز و جنگ طلب آلمان و ژاپن تشکیل دادگاه نورنبرگ و توکیو گام دیگری در پاسداری از نظم نوین در حال تکامل آن عصر بود (قوام، ۱۳۸۰). بنابراین برای شناخت نظم نوین جهانی باید ساختار و ماهیت نظام بین المللی را شناخت و برای این مهم باید عوامل و معیارهایی را که بر سیاست خارجی کشورها تاثیر می گذارد را بررسی کرد که اهم آنها عبارتند از:

۱- روندهای سیاسی در حال وقوع در نظام بین الملل

۲- روندهای اقتصاد سیاسی

۳- روندهای فرهنگی

۴- روندهای سیاسی- فرهنگی

۵- روندهای فرهنگی- اقتصادی (سریع‌القلم، ۱۳۶۹).

به گواه تاریخ بعد از اشغال کویت توسط عراق در سال ۱۹۹۰ رئیس جمهور آمریکا جرج بوش برای اولین بار اصطلاح نظم نوین جهانی را مطرح کرد و این مفهوم را با توجه به تلاش کشورهای متحد آمریکا در جنگ خلیج فارس مقدمه‌ای برای همکاری با حسن نیت کشورها در قبال بحران‌های روابط بین‌الملل و دهکده جهانی نامید که نویدبخش عدالت و صلح برای همه سکنه زمین باشند که به مفهوم حاکمیت قانون به جای هرج و مرج و آنارشیزم است و تعهدات و مسئولیت کشورها بیش از قبل توسط خود آنها رعایت خواهد شد البته با کمک و پشتیبانی یک ابرقدرت جهانی و تنها در این صورت است که میتوان شاهد رعایت موازین حقوق بشر و فراغت از جنگ شد و همزیستی را رقم زد (آقایی، ۱۳۷۵) از سوی دیگر نظم نوین جهانی کاملاً وابسته به تحرک و همکاری سه گروه زیر است:

۱- موازین حقوق بین‌الملل

۲- کشورهای مطرح جهان

۳- سازمان‌های بین‌المللی (همان).

رویدادهای ذیل تحولاتی است که ضرورت تعریف نظم نوین جهانی را دو چندان نمود از جمله:

۱- بحران در اردوگاه کمونیسم

۲- ظهور دموکراسیهای صنعتی

۳- رشد حیرت‌آور علوم و تکنولوژی

۴- مخاصمات کشورهای جهان سوم (همان). خوشبختانه پایان جنگ سرد نویدبخش یک دوره از صلح بین ابرقدرتها بود اما ضرورتاً در جهان سوم و کشورهای در حال توسعه این رویداد رخ نداد و فقط رقابت ابرقدرتها به اتمام رسید و از میزان ناامنی و تشنج در جهان کاسته شد و خط پایان بر رقابتهای تسلیحاتی و انباشت سلاحهای هسته‌ای اردوگاه شرق و بلوک غرب و پایان یافتن صف‌بندی‌های میلیتاریستی مژده عصری را می‌داد که در طی آن فضای جهانی برای فعالیت در زمینه حفظ صلح و رعایت حقوق بشر کاملاً آماده بود که در سرکوب تجاوز صدام به کویت و

آزادسازی این کشور شاهدش بودیم (خرازی، ۱۳۷۵). در مبحث بعدی با مفهوم نظم نوین جهانی آشنا شده و اهمیت تحقق آن را تشریح خواهیم نمود.

۱- مفهوم نظم نوین جهانی و اهمیت استقرار آن

گفته شده که نظم و سیستم عبارت است از مجموعه‌ای منسجم از انسانها که ضمن آنکه با هم در ارتباطند فلذا با هم همکاری نیز دارند و پدیدآورنده ساز و کار نهادی هستند و هر یک از آنها تغییری را شاهد باشد به دیگر اعضای مجموعه نیز این تغییر و تحول تسری خواهد یافت و گفته شده که منظور از نظم نوین جهانی عبارت است از یک دسته از عملکردها و روشها و تعاملات و فعل و انفعال درون یک سیستم که در حال دادن شخصیت و توانایی خاصی به مجموعه گفته شده است و در تلاش است که جامعه بین‌المللی را با عملکردها و ساختارهای جدید اداره کند و آن را به پیش راند ضمن اینکه به طور معمول اینگونه تحولات از یک نظام به نظام دیگر روی می‌دهد و تعریف واژه نوین گویای این حقیقت و تکامل است که در این مورد میتوان به تحولات بعد از جنگ سرد بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی اشاره کرد که مدتهای مدیدی نظام بین‌المللی را به دوره فترت سوق داده و آن را منفعّل نموده بود. موضوع قابل توجه در باب نظم نوین جهانی توزیع قدرت است و تحولات حاکم بر آن که چگونه پایان جنگ سرد منجر به فعال شدن سازمان ملل متحد به عنوان یک نهاد بین‌المللی واضح معیارهای جدید روابط بین‌الملل بر اساس کنوانسیونها و معاهدات حقوق بشری بود (ذاکریان، ۱۳۸۱) در مورد نظم نوین جهانی توجه به موضوعات ذیل درک هویت این سیستم را تسهیل می‌کند از جمله:

۱- نظام متحول و سیال جهان کنونی

۲- مطالعه سلسله مراتب قدرت در دهکده جهانی

۳- همخوانی و مطابقت نظم نوین جهانی با نظم نوین بین‌المللی

۴- بیانگر نوع کنش و رفتار بازیگران بین‌المللی که لزوماً همه آنها تابعین اصلی حقوق بین‌الملل نیستند اما بر روابط بین‌الملل تاثیر گذارند.

- ۵- قواعدی که مبنای عملکرد مجموعه را تعیین می کند.
- ۷- محیط‌هایی که در آن کشورها خواسته‌های خود را مطرح می کنند (سیاست‌های آشکار و پنهان خود را)
- ۷- نوع تفکرات سیاسی صاحبان اقتدار از نوع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری
- ۸- تعریف مجدد نظام سیاسی جامعه بین‌المللی
- ۹- تنظیم کننده روابط میان بازیگران نظام بین‌المللی
- ۱۰- دوره گذر از یک نظام ساختاری به نظامی جدید با اهدافی متجلی
- ۱۱- پدیده‌ای گذراست
- ۱۲- گذر از ماهیت سیاسی روابط بین‌الملل به گرایش‌های اقتصادی
- ۱۳- فاصله‌گیری از بی‌نظمی
- ۱۴- پیشتازی سازمان ملل متحد در عرصه روابط بین‌الملل (آقایی، ۱۳۷۵). تاریخ روابط بین‌الملل یادآور این نکته مهم است که بعد از اضمحلال و تجزیه شوروی سوسیالیستی به جمهوری‌های فعلی که نظام دوقطبی پایان یافت ساختار جامعه جهانی متحول شده و بازیگران بین‌المللی نقش‌های جدیدی را پذیرا شدند. بدین ترتیب موفقیت آمریکا در اخراج صدام از کویت زمینه را برای طرح نظریه نظم نوین جهانی مهیا کرد اما با تمام این ادعا استقرار این نظم چند مورد استقبال قرار نگرفت و آن را نوعی هژمونی از سوی آمریکا با الفاظ خوشایند تلقی کردند که با یکجانبه‌گرایی یک دولت مقتدر اعلام میشود. بدین ترتیب به جای آنکه بعد از فروپاشی شوروی نظم نوین عادلانه‌ای بر جهان حکمفرما شود نظم قرائت شده یک کشور (آمریکا) دیکته شد که هر روز برتری خود را به رخ جهانیان می‌کشد با فاصله گرفتن از ارزشهای منشور سازمان ملل متحد. بدین ترتیب فرصت جدیدی برای رهبری نظام بین‌المللی پیش آمد که باید ارزشهای سازمان ملل متحد پیاده میشد ولی این ایده آرزو برآورده نشد (امینیان، ۱۳۸۱). پطروس غالی دبیرکل سازمان ملل متحد طی مقاله‌ای با عنوان رهبری جهانی پس از جنگ سرد به این نکته اشاره دارد که از دو

انتخاب همگرایی جهانی و واگرایی جهانی از نگاه UN سخن گفته و نیاز مالی، حمایت سیاسی و نظامی به اعضاء را پاشنه آشیل سازمان ملل متحد معرفی کرده است بدین ترتیب موارد ذیل می تواند بر نظم سنتی جامعه بین المللی تأثیر گذار باشند از جمله:

۱- تجارت جهانی
۲- تبادلات بین المللی
۳- رشد اطلاعات و تکنولوژی

که هر یک از اینها می توانند تهدید برای برخی از کشورها و فرصت برای بقیه کشورها محسوب گردند بدین ترتیب تعصب، انزواگرایی کشور، جدایی طلبی و مناقشات بین کشورها افزایش یافته است با این حال سازمان ملل متحد تعریف جدیدی از نظم نوین جهانی ارائه داده که به عدالت و موازین حقوق بین الملل بسیار نزدیک است از جمله:

۱- اولویت یافتن رعایت حقوق بشر
۲- توسعه حقوق بین الملل
۳- خلع سلاح
۴- حفاظت از محیط زیست
بین المللی

۵- جمعیت در حال افزایش
۶- رشد و توسعه اجتماعی
۷- ارتقاء حقوق زنان
۸- مبارزه با فقر، بیکاری، گرسنگی
(پطروس غالی، ۱۳۷۵).

با این حال یک نکته مسلم است و آن اینکه در عصر جدید اهمیت جنبه اقتصادی نظم نوین جهانی از جنبه سیاسی آن بیشتر شده از جمله اینکه:

۱- تمرکز اقتصاد جهانی از بین رفته و مراکز مالی مقتدری متولد شده اند مانند UNDP- IMF-WB

۲- نوع مناسبات کشورها بویژه کشورهای صنعتی با کشورهای جهان سوم تغییر یافته شاهد مثال رشد اقتصادی کره جنوبی، مالزی، سنگاپور، ژاپن.

۳- تنوع مشکلات جهان سوم از نظر محیطزیست، بدهی های خارجی و جهانی سازی اقتصاد (شهبایی، ۱۳۷۰).

۲- جهت گیریهای متعارف در خصوص نظم نوین جهانی

در طول چند دهه گذشته در زمینه نظم نوین جهانی همانطور که استاد ذاکریان در کتاب حقوق بشر در هزاره جدید به بهترین شکل تشریح نموده است سه تفکر ویژه که هر یک یادآور برخی از حقایق موجود هستند شکل گرفته که عبارتند از:

۱- توصیف رئالیستی نظم نوین جهانی، ۲- توصیف ایدئالیستی نظم نوین جهانی، ۳- توصیف جهان گرایانه نظم نوین جهانی

مطابق دیدگاه رئالیستی ساختار نظم نوین جهانی عبارت است از:

توزیع قدرت، کیفیت ثبات نظام بین المللی و جایگاه قدرتهای جهانی به عنوان قدرت ایجاد کننده موازنه که بر نقش ابرقدرتهای دارنده حق و تو شامل آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلستان و چین و قدرتهای جدید نظیر ژاپن، آلمان، هند، برزیل، ایتالیا، کانادا و استرالیا و کره شمالی تأکید دارند به ویژه در پنج بعد:

۱- توزیع و انتقال قدرت از بعد سیاسی ۲- توزیع و انتقال قدرت از بعد نظامی

۳- توزیع و انتقال قدرت از بعد اقتصادی ۴- توزیع و انتقال قدرت از بعد تمدنی

۵- توزیع و انتقال قدرت از بعد فرهنگی و نظریه پردازانی چون هنری کیسینجر، آر.کل، استانلی هافمن، چارلز کرات هامر، آنتونی کوردزمن، ساموئل هانتینگتون، ریچارد روزکرانس، جوزف نای، آندره فونتن، نوام چامسکی، مارتین شاو، نیل مک فارلین و ریچارد فالک از هواداران و نظریه پردازان این تفکر رئالیستی درباره نظم نوین جهانی هستند که به موضوعاتی نظیر موازنه نیروها، سلطه، موازنه، سوابق استعماری، قدرت چندقطبی، قدرت اقتصادی، قدرت از نظر جمعیت و

قدرت اقتصادی و نظامی، پلیس جهانی، صلح آمریکایی، برخورد تمدن‌ها، اتفاق قدرتها، وابستگی متقابل، نظام تک قطبی، توسل به زور، بلوک صنعتی جهانی، درگیری ابرقدرتها در خصوص نظم نوین جهانی قلمفرسایی کرده‌اند اما آرمانگرایان یا ایده‌آلیست‌ها بر موازین حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست، دموکراسی، کاهش سلاح‌های هسته‌ای و پیکار با تروریسم و جلوگیری از انفجار جمعیت تأکید دارند و آخر الامر آنکه از دیدگاه جهانگرایان نقش سازمان ملل متحد در برقراری نظم نوین جهانی باید پر رنگ شود (ذاکریان، ۱۳۸۱). مورتون کاپلان مدل‌های ۶ گانه نظام بین‌المللی را که انعکاسی از نظم نوین جهانی با قرائت ابرقدرتهاست را به شرح زیر برشمرده است:

۱- سیستم توازن نیروها

۲- نظام دوقطبی شکننده

۳- نظام دوقطبی پایدار

۴- نظام دوقطبی تأثیرگذار ر جامعه بین‌المللی

۵- نظام سلسله مراتب

۶- نظام بین‌المللی توأم با حق و تو برای برخی از قدرتهای موجود (آقایی، ۱۳۷۵).

البته برخی از پژوهشگران در باب سرچشمه اعلام دکترین نظم نوین جهانی ۳ نظریه را مطرح کرده که به ترتیب توضیح میدهد که این مفهوم هنوز شکل نگرفته و فقط با هدف حفظ وحدت و همکاری با ایالات متحده آمریکا در جنگ خلیج فارس طرح گردید اما دیدگاه دوم معتقد است که با از بین رفتن شوروی، نظم گذشته نیز به فراموشی سپرده شده و نظم جدیدی ضرورت پیدا کرد که از آن با نام نظم نوین یاد میشود که با مشارکت سازمان ملل متحد توأم بوده و یک امنیت دسته‌جمعی را رقم زد بر علیه عراق که این تجمع کشورها برای اخراج عراق از کویت نمی‌تواند به تنهایی خالق یک نظم نوین جهانی به حساب آید و در نهایت دیدگاه سوم بر این باور است که بعد از قضیه اشغال کویت یک نظم نوین بین‌المللی شکل گرفته و هر روز در حال تکامل است و فقط در حد یک شعار مطرح نیست اجرای عملیات سپرصحرا و طوفان صحرا از سوی آمریکا مرحله اجرا و تحقق این نظم بود که دیگر کشورها هم به عنوان شریک در کنار آمریکا بودند (همان). البته همانطور که نوام چامسکی بر آن تأکید دارد چیزی عوض نشده است تنها اقتصاد وجهه بین‌المللی یافته و تغییری در

سیاست‌های بین‌المللی پدید نیامده است و برخی نیز مدعی هستند برای آنکه نظم نوین جهانی که حافظ صلح باشد باید یا از طریق ایجاد توازن قدرت بین قدرتهای مطرح گام برداشت و یا از طریق نظام سلطه بر دیگران (همان). با این حال همانطور که برخی از اندیشمندان متذکر شده‌اند جامعه بین‌المللی محل تجلی سیاست‌های ضد و نقیض و یکجانبه برخی از دولتهاست و بسته به تغییرات شرایط این معادلات تغییر می‌یابند که اشاره به حرکت از نظم کهنه به نظم نوین دارد و همین نظم قرار است که معیارهای حاکم بر روابط میان دولتها را تعریف و معین کند با این وصف نظم نوین جهانی نیز باید به مدیریت تهدیدات و فرصتها مبادرت ورزد و معلوم نیست که کدام قطبهای قدرت نقش آفرین خواهند بود یعنی سیستم چندقطبی خواهد بود یا دوقطبی و یا تک قطبی (بعیدی‌نژاد، دریایی و علی‌آبادی، ۱۳۸۴). متأسفانه در عمل شاهد هستیم که کشورهای عضو سازمان‌های بین‌المللی چندان رغبتی به پیروی از قطعنامه‌ها و تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی ندارد و سازمانهای بین‌المللی با لحاظ منافع کشورها گام برمیدارد و نمی‌توان قضاوت کرد که آیا این نوع کنش و واکنشها را باید نظم نوین جهانی نامید یا آنارشیزم جامعه بین‌المللی (ژانرو، ۱۳۸۲). تهدیدات جدیدی که هم‌اکنون جامعه بین‌المللی و نظم نوین بین‌المللی را تهدید می‌کنند عبارتند از:

- ۱- تهدیدات در حال وقوع اقتصادی از جمله کاهش ارزش سهام بورس‌های جهانی مانند وال استریت، لندن و توکیو
- ۲- تهدیدات بی‌پایان اجتماعی
- ۳- فقر در حال گسترش
- ۴- بیکاری در حال ازدیاد
- ۵- اپیدمی بیماریهای مسری
- ۶- نابودی محیط زیست و تغییرات سهمگین اقلیمی
- ۷- جنگ بین کشورها
- ۸- جنگهای داخلی

۹- کشتار جمعی

۱۰- افزایش نابردباری و خشونت در جهان

۱۱- تولید سلاحهای هسته‌ای

۱۲- افزایش سلاحهای بیولوژیک و ویروسی

۱۳- رشد تروریسم

۱۴- افزایش جرایم سازمان یافته فراملی (بعیدی‌نژاد، دریایی و علی‌آبادی، ۱۳۸۴).

۳- شورای امنیت و صلاحیتهای صریح و ضمنی آن

یکی از ارکان بسیار مهم سازمان ملل متحد شورای امنیت سازمان ملل متحد است که مواد ۲۴ تا ۲۶ منشور به شرح وظایف این شورا پرداخته که اصلی‌ترین آن حفاظت از صلح و امنیت بین‌المللی است و کشورهای عضو حاکمیت شورای امنیت را بر کشورها از جهت حفظ صلح جهانی پذیرفته‌اند و قبول کرده‌اند که از تصمیمات شورای امنیت پیروی کنند مشروط بر آنکه شورای امنیت در قالب فصل ۷ و خود منشور ۱۱۱ ماده‌ای گام بردارد بدین وصف تصمیمات شورای امنیت در دو قالب اصلی مطرح میگردد که شامل توصیه‌نامه‌ها و قطعنامه‌های الزام‌آور است بدین ترتیب شورای امنیت حق دارد به صورت مسالمت آمیز به اختلافات کشورها توجه کند و تصمیماتی را اتخاذ و توصیه کند وفق فصل ۶ منشور و همینطور شورای امنیت حق دارد با استمساک از فصل هفتم منشور از قوه قهریه و زور مشروع برای اجرای قطعنامه‌های خود استفاده کند (موسی‌زاده، ۱۳۹۵).

بدین ترتیب وظایف و صلاحیتهای ویژه شورای امنیت عبارتند از:

۱- مسئول اصلی حفاظت و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی

۲- دادن توصیه به کشورها برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات فیما بین

۳- توسل به زور برای بازگرداندن صلح به جامعه بین‌المللی

۴- تأسیس ارکان فرعی بنا به نیاز و صلاحدید شورای امنیت

علاوه از آن شورای امنیت برخی از صلاحیتهای را به طور مشترک با مجمع عمومی عهده‌دار است که عبارتند از:

۱- پذیرش عضو جدید به UN

۲- تعلیق حقوق و مزایای اعضا

۳- اخراج کشور متخلف از منشور

۴- انتخاب دبیرکل UN

۵- انتخاب قضاات دیوان بین‌المللی دادگستری

۶- تجدیدنظر و اصلاح منشور سازمان ملل متحد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۳).

همینطور گفته شده که شورای امنیت از ۴ نوع صلاحیت برخوردار است که عبارتند از:

۱- صلاحیت قانونگذاری

۲- صلاحیت شبه قضائی

۳- صلاحیت اجرایی

۴- صلاحیت نظارتی (موتقی، ۱۳۸۹).

۵- اجرای احکام صادره از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری در صورت تمرد کشور محکوم

علیه

۶- درخواست نظریه مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری (بیگ‌زاده، ۱۳۸۹).

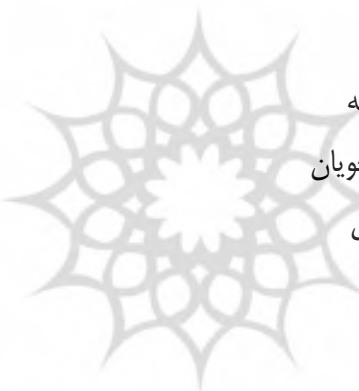
۷- میانجیگری در اختلافات بین‌المللی

۸- انجام تحقیقات

- ۹- اعزام هیأت‌های دیپلماتیک
- ۱۰- اعلام آتش‌بس
- ۱۱- جداکردن نیروهای نظامی طرفین از هم
- ۱۲- اعزام ناظران نظامی
- ۱۳- اعزام نیروهای حافظ صلح
- ۱۴- انجام تحریم اقتصادی
- ۱۵- تحریم تسلیحاتی
- ۱۶- تحریم مالی
- ۱۷- اعلام ممنوعیت سفر به کشور متخلف از منشور
- ۱۸- انجام عملیات دسته‌جمعی علیه کشور متخلف از منشور و تهدیدکننده یا ناقض صلح جهانی
- ۱۹- تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق
- ۲۰- تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای نسل‌کشی رواندا
- ۲۱- تأسیس کمیته ضد تروریسم (سازمان ملل متحد، اداره اطلاعات همگانی، ۱۳۸۸).
- ۲۲- تأسیس نهادهای ناظر بر قطع مخاصمات، تشکیل گروه ناظر نظامی، اعزام نیروهای پاسدار صلح، نیروی ناظر جداسازی متخاصمین، اعزام نیروهای موقت، اعزام مأموران برای نظارت بر انتخابات کشورها، انجام عملیات اعتمادسازی، مأموریت کمک ملل متحد، اعزام مأموران تصدیق صحت عمل، اعزام نیروهای اضطراری، اعزام نیروهای امنیت ملل متحد، مأموریت مساعی جمیله ملل متحد، گروه ملل متحد برای کمک به انتقال قدرت، مأموریت پیشگام، فرمانگزاری انتقالی ملل متحد، گروه ناظر مرزی (سازمان ملل متحد، ۱۳۷۴).

۴- دیدگاه شورای امنیت راجع به نظم نوین جهانی

یکی از مهمترین کارکردهای شورای امنیت موضوع حقوق بشر است بویژه که پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از حقوق بشر همفکر هستند و چون نقض حقوق بشر با موضوع حفظ صلح جهانی مرتبط است داخل در صلاحیت شورای امنیت میباشد به نظر میرسد که پایان جنگ سرد موجب طرح نظم نوین جهانی و ارتباط با صلاحیت شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که به شدت با موضوع گرسنگی، فقر و نقض حقوق بشر در ارتباط است و هر یک از اینها می‌تواند ناقض صلح جهانی باشد بنابراین دیدگاه شورای امنیت امروزه در باب نظم نوین جهانی که کاملاً مرتبط با حقوق بشر گردیده و بهمین جهت نظام ملل متحد و شورای امنیت تکالیف مختلفی را برای خود تعریف کرده است از جمله:

- 
- ۱- حمایت از اقلیت‌ها
 - ۲- ارائه کمک‌های بشردوستانه
 - ۳- وضعیت پناهندگی و پناه‌جویان
 - ۴- ارسال کمک به گرسنگان
 - ۵- حمایت از حقوق مدنی
 - ۶- حمایت از حقوق سیاسی
 - ۶- حمایت از حقوق اقتصادی
 - ۷- حمایت از حقوق اجتماعی
 - ۸- حمایت از حقوق فرهنگی

به همین جهت هر موقع که شورای امنیت در زمینه رعایت حقوق بشر کامیاب گردد در واقع در حوزه نظم نوین گام برمی‌دارد شورای امنیت گاهی از حربه تحریم استفاده می‌کند و گاهی از لشکرکشی نظامی، زیرا جنایات ارتكابی علیه غیرنظامیان به حدی است بیشتر به نسل‌کشی نزدیک است و یک سرکوب ساده حقوق بشری نیست بنابراین شورای امنیت در نظم نوین جهانی

کارکردهای ویژه‌ای را برای خود تعریف و تمهید کرده است به این ترتیب که تلاش دارد به طرق مختلف مانع نقض حقوق بشر گردد و در این راه از کمکهای نظامی دیگر کشورها نیز بهره‌مند گردد همینطور شورای امنیت چنین تشخیص داده که تأسیس دادگاههای کیفری بین‌المللی حرکتی است منطبق با موازین حقوق بشر و اگر بخواهد نظم عمومی بین‌المللی و نظم نوین جهانی پایدار بماند نباید در پیگرد جنایتکاران علیه بشریت و مرتکبین جنایت جنگی و نسل‌کشی و تجاوز اغماض نماید به این ترتیب بهترین شیوه حفاظت از نظم نوین جهانی از دیدگاه شورای امنیت رعایت موازین حقوق بشر است زیرا مخاصمات از هر نوعی که باشد با نقض حقوق انسانها آغاز می‌شود و گسترش می‌یابد بهمین جهت است که شورای امنیت به خود اجازه داده در مواردی از مداخلات بشردوستانه یا مسئولیت حمایت از حقوق بشر بهره‌مند شود و انسانها را از رنج و درد برهاند (ذاکریان، ۱۳۸۱). البته دیدگاه آمریکا در مورد نظر نوین جهانی با آنچه که سازمان ملل متحد پیگیری است کاملاً فرق دارد نظم نوین جهانی مد نظر آمریکا حول محور چهارشاخصه می‌چرخد که عبارتند از:

۱- ارزشهای مدنظر آمریکا بویژه لیبرالیسم سرمایه‌داری

۲- مداخله در امور دیگر کشورها با مجوزهای نهادهای بین‌المللی

۳- ترویج همکاری بین کشورهای مختلف، مقتدر و همفکر

۴- ارجاع بسیاری از مسئولیت به سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای.

برخی اندیشمندان روابط بین‌الملل که اکثراً غربی هستند بر این نکته تأکید دارند که با توجه به این که آمریکا قوی‌تر از همه کشورهای جهان است باید ارزشهای آمریکایی در جهان حاکم باشد چه درست و چه غلط به این ترتیب که دموکراسی از جنبه سیاسی مطرح شود و بازار آزاد و سرمایه‌داری از بعد اقتصادی پیاده گردد و برتری نظامی و استراتژیکی از بعد میلیتاریستی حاکم شود بدین ترتیب دموکراسی آخرین ایستگاه همه کشورها باید باشد تا جهان یکدست گردد علاوه از آن نظم نوین جهانی اقتضاء می‌کند در برخی از مواقع همه کشورها در کنار آمریکا برای دخالت در امور کشورهای بظاهر متخلف از موازین حقوق بشر مداخله کنند که کویت، رواندا، سومالی و هائیتی مصداق بارز این ادعا هستند به این ترتیب برای اینکه فضای همکاری توسعه یابد باید مسئولیت‌های بین‌المللی

تقسیم گردد و یک کشور به تنهایی عهده‌دار حفاظت از نظم عمومی بین‌المللی نگردد بنابراین در عصر جدید باید سازمان ملل و سازمانهای منطقه‌ای بازیگر اصلی و اساسی نظم نوین جهانی باشند و از همکاری با ابرقدرتها طفره نرود (آقایی، ۱۳۷۵).

۵- بایسته‌های نظم نوین جهانی از نگاه شورای امنیت

شورای امنیت سازمان ملل متحد با بقیه سازمانهای بین‌المللی فرق دارد. اقتداری که این سازمان از جهات مختلف دارد آنرا به قوی‌ترین سازمان بین‌المللی از همه جهات مبدل کرده و بنحوی رفتار می‌کند که تصور می‌شود نمایندگی جامعه بین‌المللی را عهده‌دار است به این ترتیب نظمی را که سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ در منشور گنجانده زمانی تجلی خواهد یافت که شورای امنیت به طور اعم و ۵ عضو دائم شورای امنیت به طور اخص حامی آن باشند که گاهی تصمیمات گرفته شده به صورت ۱۰۰٪ به نفع ابرقدرتهاست و گاهی منافع جامعه بین‌المللی نیز لحاظ می‌شود وقتی می‌شنویم که مطابق ماده ۳۹ منشور مقام تشخیص دهنده صلح و امنیت بین‌المللی فقط شورای امنیت است و مجمع عمومی فقط یک نقش فرعی و مکمل در این زمینه دارد باید باور کنیم شورای امنیت سازمان ملل متحد بدون اینکه اعلام کند و یا به حقیقتی اقرار کند خود خالق نظم نوینی در جهان امروز است شورای امنیت تصمیماتی می‌گیرد که سیاست‌گذاران آن ابرقدرتها هستند و این اختیار از سوی منشور به آنها اعطاء شده در عین حال منشور محدودیتهایی برای شورای امنیت تعیین نموده اما شورای امنیت با تفسیر مترقیانه از منشور چالشها را به فرصت و محدودیتهای آن را به توانمندی تعبیر کرده و بر مبنای آن تصمیم می‌گیرد یا توصیه می‌کند بنابراین اگر شورای امنیت تصمیم می‌گیرد صرفاً از آن جهت است که ضمن حل مشکلات امنیتی کشورهای درگیر بحران رویه‌ای را برای دیگر کشورها رقم زند بنابراین باید پذیرفت که برخی از تصمیمات شورای امنیت ساختارشکن بوده و مخرب نظم نوین جهانی محسوب می‌شود اما به نظر می‌رسد هیچ مقامی در دنیا یا هیچ دادگاهی توان بازخواست شورای امنیت را ندارد (شریف، ۱۳۷۳). علاوه از آن عملکرد شورای امنیت در قبال نظم نوین جهانی اقتضاء می‌کند که شورا اقداماتی انجام دهد که این تصور را ایجاد کند که نباید صلاحیتهای شورای امنیت را محدود قلمداد کرد زیرا توان عملیاتی و نجات‌بخشی شورای امنیت کاهش می‌یابد البته شورای امنیت تلاش دارد از اصول عدالت و حقوق بین‌الملل و اصول پذیرفته شده در منشور سازمان ملل در استقرار و خلق نظم نوین جهانی بهره‌مند شود اما حقیقت

مسلم آنست که شورای امنیت خود نیز مطابق سیاستگذاری بین‌المللی چندکشور عضو دائم شورای امنیت گام برمی‌دارد و استقلالی را که جامعه جهانی برای شورای امنیت قائل است را ندارد بنابراین به نظر میرسد نظم نوین کنونی این حقیقت را پذیرفته که اقدامات موافق و مخالف شورای امنیت هرچه که باشد صحیح است و تبدیل به عرف بین‌المللی خواهد شد که آن نیز ویژگی‌ها و مسئولیتهای خاص خود را دارد در هر حال به عنوان کلام آخر باید متذکر شد شورای امنیت قرائت خاص خود را از نظم نوین جهانی دارد که به نوعی حافظ جدی حقوق ابرقدرتهاست تصمیمات دوگانه شورای امنیت در مخاصمات مسلحانه و تجاوزات کشورها به هم و نسل‌کشی‌ها این حقیقت را به اثبات می‌رساند هر جا که اقدام فوری لازم است شورای امنیت دست بکار می‌شود و هر جا که فایده اقدامات نظامی از هزینه‌های آن کمتر باشد به صلاح شورای امنیت است با چراغ خاموش از کنار این جنایات عبور نماید رواندا و کویت دو مصداق متضاد از این تعارضات شورای امنیت است که یکی مخالف نظم نوین جهانی و دیگری موافق نظم نوین جهانی تلقی شد (آقایی، ۱۳۷۵).

یافته‌های اصلی تحقیق

یافته‌های تحقیق ثابت می‌کند علت این که در هزاره سوم و در دهکده جهانی کماکان نسل‌کشی و نقض حقوق بشر تکرار می‌شود به این جهت است گردانندگان شورای امنیت صرفاً بر مبنای منافع درازمدت و کوتاه مدت خود گام بر می‌دارند و منظور از نظم نوین جهانی استقرار عدالت و پایان دادن به نقض حقوق بشر نیست بلکه نظم نوین جهانی از دیدگاه شورای امنیت آن نظامی است تثبیت کننده قدرت کشورهای عضو دائم شورای امنیت باشد و هر چه را که آنها مصلحت می‌دانند بعنوان مصادیق نظم نوین جهانی قلمداد شود.

نتیجه‌گیری

پایان جنگ در کشورهای جهان این نکته را مشخص کرد که سازمانهای بین‌المللی بدون اینکه تحت فشار کشورهای فاتح جنگ جهانی دوم باشند باید اعتدال و عدالت پیشه کرده و موافق اصول حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد گام بردارند قرار بود نظم نوین جهانی به بهتر شدن استانداردهای زندگی ۷ میلیاردی سکنه جهان در ۵ قاره با ۱۹۵ کشور منجر شود در حالیکه علیرغم رشد و توسعه اقتصادی کلان جهان از تعداد فقرا کاسته نشده، بیکاری همانند بیماری تبدیل به یک

اپیدمی شده فرصتهای خوب زندگی کم‌رنگ شده‌اند و افزایش جمعیت کماکان ادامه دارد و تروریستها و جنایتکاران جرایم سازمان یافته جهان را جولانگاه فعالیت‌های شبانه خود کرده‌اند بنابراین نظم نوین جهانی به نوعی حافظ منافع سرمایه‌داران و ابرقدرتها و صاحبان زر و زور بویژه در کشورهای صنعتی و استعمارگر است. بنابراین باید شورای امنیت را متوجه این نکته کرد که نظم نوینی که مدنظر اعضای دائم شورای امنیت بویژه آمریکا می‌باشد هیچ آینده‌ای ندارد و گرهی از مشکلات نمی‌گشاید این نظم با این شکل موجب کاهش فقر و بیکاری و استقرار عدالت نمی‌گردد و ماحصل آن در دراز مدت افزایش ناامنی و خشونت در جهان است و این شرایط آن چیزی نیست شورای امنیت سازمان ملل متحد خواستار آن باشد. حال این برداشت چه مربوط به نظم کهنه جهانی باشد و چه مربوط به نظم نوین جهانی.



منابع

- آقایی، سید داود. (۱۳۷۵). نقش و جایگاه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی، چاپ اول، تهران: پیک فرهنگ، ص ۲۳-۲۵-۶۰-۶۱-۵۴ تا ۵۹-۴۹-۶۸-۶۹-۷۶-۷۷-۷۰ تا ۷۲-۱۳
- امینیان، بهروز، (۱۳۸۱). پی افکندن نظام نوین جهانی: تبیین رفتار آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳، پاییز، ص ۸۴۷ تا ۸۴۵.
- بعیدی نژاد، حمید. دریایی م ح. علی آبادی م. (۱۳۸۴)، تحول در ساختار نظام ملل متحد، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۳۸-۳۹-۱۰۷
- بیگزاده، احمد. (۱۳۸۹). حقوق سازمان های بین المللی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد، ص ۳۷۱-۳۷۰.
- پطروس - غالی پ- (۱۳۷۵). رهبری جهانی پس از جنگ سرد. ترجمه م امیری وحید، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره ۲، تابستان، ص ۵۲ تا ۵۰.
- خرازی، کوثر. (۱۳۷۵). ایران و نظم جهانی پس از جنگ سرد، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان، ص ۲۵
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۱). حقوق بشر در هزاره جدید، چاپ اول، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۱۱-۱۲ تا ۲۲-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲
- ژانرو م ش. (۱۳۸۲). بشریت و حاکمیت ها سیری در حقوق بین الملل، ترجمه م کلانتریان، چاپ اول، تهران: آگه، ص ۳۶۴-۳۶۵.
- سازمان ملل متحد. (۱۳۷۴). واقعیه های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ترجمه ق ا معمارزاده، چاپ اول، تهران: کتابسرا، ص ۵۳ تا ۵۱.

- سازمان ملل متحد. اداره اطلاعات همگانی (۱۳۸۸). *سازمان ملل متحد در دنیای امروز*، ترجمه ع ایثاری کسمایی، چاپ اول، تهران: آبارون، ص ۸-۹
- سریع القلم، مسعود، (۱۳۶۹). دیدگاهی پیرامون ماهیت نظام بین الملل (۱)، *مجله سیاست خارجی*، شماره ۳، سال چهارم، پاییز، ص ۲۱۰.
- سیمبرر. (۱۳۸۰). تحول در نظام بین الملل و کار ویژه های ملت- دولت، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز، ص ۷۰۰
- شریف، مهدی. (۱۳۷۳). *بررسی دکتترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت*، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۱۲۶-۱۲۷
- شهبابی، سعید، (۱۳۷۰). تحولات نظام بین المللی و پیامدهای آن در اقتصاد جهانی. *مجله سیاست خارجی*، شماره ۳، سال پنجم، پاییز، ص ۶۴۷.
- ضیائی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۹۳). *حقوق بین الملل عمومی*، چاپ چهل و نهم با ویرایش جدید، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۲۲۴-۲۲۳.
- قوام، علی، (۱۳۸۰). *موقعیت دولت و شهروندان در عصر جهانی شدن*، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز، ص ۶۸۴.
- موتقی، حمید، (۱۳۸۹). *حقوق بین الملل میان حاکمیت اراده و قانون*، چاپ اول، تبریز: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ص ۱۷-۱۸-۱۴۳-۲۱۸.
- موسی زاده، رضا. (۱۳۹۵). *سازمان های بین المللی*، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر میزان، ص